

**Research Article**

**An Examination of the Evidential Value of Testimony in  
Imamiya Jurisprudence and Iran's Legal System and  
the Impact of Psychological Factors on Testimony**

**Heidar Fatahi<sup>1</sup>**

**Ruhollah Sepehri<sup>2</sup>**

**Abbas Pahlevanzadeh<sup>3</sup>**

Received: 05/11/2022

Accepted: 04/07/2023

**Abstract**

The testimony of witnesses in all legal systems, including the Islamic legal system and Iran, is recognized as one of the proofs of legal and criminal claims, because the Holy Qur'an refers to testimony in many cases and the need to provide it in lawsuits. In the hadiths narrated from the pure and infallible Ahl al-Bayt, as well as the companions of the Prophet Mohammad, there is a lot of emphasis on this. In some cases, there are differences of viewpoints among Islamic denominations regarding the conditions of the witness. For example, there is a difference in the testimony of a child, but there is consensus among jurists in the area of reason and legitimacy of the person. On the other hand, the impact on the

1. PhD student in criminal law and criminology, Azad University, Karaj Branch, Iran. heidarfatahi@yahoo.com.
2. Assistant professor and faculty member, Islamic Azad University, Naraq Branch, Iran. Dadbakh.sadra@gmail.com.
3. Assistant professor and faculty member, Islamic Azad University, Karaj Branch, Iran (Advisor). Dr. pahlavanzadeh@yahoo.com.

\* Fatahi, H., Sepehri, R., & Pahlevanzadeh, A. (1401 AP). An Examination of the Evidential Value of Testimony in Imamiya Jurisprudence and Iran's Legal System and the Impact of Psychological Factors on Testimony. *Biannual Journal of Jurisprudential Principles of Islamic Law*, 15(30), pp. 499-524. Doi: 10.30495/jfil.2023.70237.1607

legal concept of testimony is also something that cannot be hidden, which has received special attention in recent decades. Of course, in the legislative system, this important issue has not been taken care of as much as it should be, but psychological needs have caused legal scholars to deal with this issue. This is because the impact of some factors such as mental habits, age, race, personality, feelings, and emotions on the testimony is so important that it can cause irreparable damage.

### **Keywords**

Testimony, The validity of testimony, Judicial Psychology, Imamiya Jurisprudence, Iran's Legal System.



دو فصلنامه علمی - تخصصی مبانی فقهی حقوق اسلامی  
سال ۱۵ • شماره ۲ • پاییز و زمستان ۱۴۰۱ • شماره پیاپی ۳۰

### مقاله پژوهشی

## بررسی ارزش اثباتی شهادت در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران و تاثیر پذیری شهادت از عوامل روانشناختی

حیدر فتاحی<sup>۱</sup> روح‌الله سپهری<sup>۲</sup> عباس پهلوان‌زاده<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳

### چکیده

شهادت شهود در تمام نظام‌های حقوقی از جمله نظامی حقوقی اسلامی و ایران به عنوان یکی از ادله‌ی اثبات دعای حقوقی و کیفری شناخته می‌شود. چراکه، قرآن کریم در موارد متعدد به شهادت و لزوم اداء و اقامه آن در دعای اشاره دارد. در احادیث منقوله از اهل بیت عصمت و طهارت و نیز صحابه رسول خدا ﷺ در این باره تأکید بسیار شده است. در باب شرایط شاهد در میان مذاهب اسلامی در برخی از موارد اختلاف نظرهایی وجود دارد. به طور مثال در شهادت طفل ممیز اختلاف است اما در بحث عقل و طهارت مولد میان فقها اجماع حاکم است. از سوی دیگر تأثیرگذاری بر مفهوم حقوقی شهادت نیز امری کتمان‌ناپذیر است که در دهه‌های اخیر بدان توجه ویژه‌ای شده است. البته در نظام تقنینی این مهم آنچنان که شایسته بوده مورد عنایت قرار نگرفته اما ضرورت‌های روانشناختی موجب گردیده که علمای حقوقی به این امر بپردازند. زیرا تاثیر پذیری شهادت از عواملی چون عادات روانی، سن، نژاد، شخصیت، هیجان و احساسات و عواطف از چنان جایگاهی برخوردار است که می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به همراه داشته باشد.

### کلیدواژه‌ها

شهادت، حجیت شهادت، روانشناسی قضایی، فقه امامیه، نظام حقوقی ایران.

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. heidarfatashi@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق خصوصی، واحد نراق دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران (نویسنده مسئول). Dadbakh.sadra@gmail.com

۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (استاد مشاور). Dr.pahlavanzadeh@yahoo.com

\* فتاحی، حیدر؛ سپهری، روح‌الله و پهلوان‌زاده، عباس. (۱۴۰۱). بررسی ارزش اثباتی شهادت در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران و تاثیر پذیری شهادت از عوامل روانشناختی. فصلنامه علمی - تخصصی مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۵(۳۰)، صص ۴۹۹-۵۲۴.  
Doi: 10.30495/jfil.2023.70237.1607

## مقدمه

امروزه افراد در اجتماع به مجرد اینکه در مرحله ی ثبوت، حقی را دارا باشند، این توانایی را ندارند که در مقابل دیگران آن حق را مورد استناد قرار دهند بنابراین مکلف‌اند در مرحله دادخواهی هرآنچه را حق خود می‌دانند به اثبات برسانند. از این جهت ادله‌ی اثبات دعوا به‌عنوان وسیله‌ی اثبات حق شناخته می‌شود و در صورتی که متناسب با نیازهای افراد جامعه و مثبت حقوق آنها نباشد، تمام فرآیند رسیدگی به دعوا را بی‌اثر می‌سازند. از همین رو، در نظام حقوقی ایران با رویکرد فقه امامیه از شهادت به عنوان یکی از ادله‌ی اثباتی شرعی و عرفی یاد می‌شود.

علیرغم انتقاداتی که به ارزش اثباتی شهادت از جهت علمی و روانشناسی وارد شده است. امروزه شهادت از ارزش و اهمیت بسیاری در نظام‌های دادرسی برخوردار است و موارد استناد به این دلیل کم نیست. از آنجا که شهادت در گذشته و حال همراه با دعاوی مطروحه بوده است و به گونه‌ای با تاریخ حقوق تمامی کشورها عجین شده است. با وجود روند متفاوت ارزش‌گذاری بر آن هیچ‌گاه به طور کلی از دلایل اثبات دعوا محو نشده است و قانونگذاران کشورها به واسطه ارزش و اهمیت این دلیل و ضرورت در استماع آن احکامی را مورد پیش‌بینی قرار داده‌اند.

در نظام حقوقی ایران درصد بالایی از احکام حقوقی مرتبط با شهادت، پیش‌فرض‌های روان‌شناسی عرفی (و نه علمی) بوده است. به طور مثال پیش‌فرض مقدر فقه این است که درجه‌ی تشخیص رنگ همه افراد بینا به یک نسبت نیست و یک بینایی که کور رنگ جزیی است، ممکن است اساساً قادر به تشخیص رنگ قرمز نباشد پس اظهار نظر وی مبنی بر دیدن لکه‌ی قرمز بر پیراهن متهم یا دروغ یا اشتباه است، با این حال هرگز به صراحت در قوانین پیش‌بینی نشده است.

برهمن اساس در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ارزش اثباتی شهادت در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه و نیز تاثیرپذیری شهادت از عوامل روانشناختی علمی پرداخته شده است.

## ۱. مفهوم شناسی شهادت از منظر لغت، فقه امامیه و نظام حقوقی ایران

شهادت در لغت از ریشه شَهَدَ، یَشْهَدُ است و واژه‌های تازی و به معنای حضور و معاینه است که به معنای ادای خبر قاطع نیز آمده است. واژه‌های هم‌خانواده آن مانند مشهد به معنای محضر یا مشاهده به معنای معاینه است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۳۶). معادل فارسی شهادت، گواهی و به شاهد گواه اطلاق می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ص ۳۹۷).

مرحوم صاحب جواهر در تعریف شهادت می‌فرماید: «شهادت اخبار توأم با قطع و جزم است از وجود حقی برای غیر که از سوی غیر قاضی به عمل می‌آید» (نجفی، ۱۳۹۶، جلد ۴۱، ص ۷).

علامه طباطبایی نیز در تعریف شهادت آورده است: «شهادت، خبر دادن از یک حق لازم برای دیگری که غیر از حاکم باشد.» (طباطبایی، ۱۴۲۲، ق، ج ۱۵، ص ۲۲۵).

در نظام حقوقی ایران، واژه شهادت برای نخستین بار با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تعریف شد. در ماده ۱۷۴ این قانون در تعریف شهادت آمده است: «شهادت، اخبار شخصی غیر از طرفین دعوا به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضائی است.» و در تعریف شهادت شرعی ماده ۱۷۵ مقرر می‌دارد: «شهادت شرعی اخباری است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است اعم از آنکه مفید علم باشد یا نباشد.»

مطابق تعریف پیلانیول وریپر: «شاهد شخصی است که گاه به‌طور اتفاقی و گاه بنا به درخواست طرفین، در موقع انجام فعل یا واقعه‌ی مورد انکار حاضر بوده و در پی آن می‌تواند وجود، کیفیت یا نتایج آن را برای قاضی تأیید نماید.» (صفایی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴).

برخی از گزارش‌های ملی که توسط حقوقدانان کشورها ارائه شده است از جمله گزارش‌های ملی بلژیک، فنلاند، یونان، آلمان و فرانسه تصریح کرده‌اند که شاهد شخصی «غیر از طرفین» یا «بیگانه نسبت به دعوی» یا «ثالث نسبت به قضیه» است که این موضوع در خصوص کشورهای اسلامی نیز صدق می‌کند. اما در کشور هلند حتی طرفین می‌توانند به عنوان شاهد در جلسات دادرسی حضور یابند. نظر کشورهای تابع کامن‌لا نیز همین است. برخی نویسندگان در تعریف خود عنصر سوگند را نیز اضافه نموده‌اند با این بیان که

شهادت اعلامی است که همراه با سوگند انجام می‌شود (همان، ص ۱۳۵).

در گزارش‌های ملی بیشتر تعاریفی که از شهادت شده است در مورد شهادت مستقیم بیان شده است؛ یعنی درباره‌ی اعلام شخص حاضر، هنگام انجام فعل یا وقوع واقعه‌ی مورد انکار که دارای شناختی شخصی از وقایع مورد نزاع است. با وجود این، باتوجه به گستردگی شهادت غیرمستقیم در جهان کنونی، همانگونه که گزارش‌های ملی نشان می‌دهند بهتر است که این عنصر در تعریف ذکر نگردد. با استفاده از تعریف گزارش ملی یونان، می‌توان گفت که شاهدان «اشخاص ثالثی هستند که نسبت به دعوا بیگانه بوده و دعوت شده‌اند تا در مقابل قاضی آنچه را دیده یا شنیده‌اید و مربوط به وقایع مورد دعواست، بازگو نمایند (همان).

## ۲. ویژگی‌های شاهد در فقه امامیه

در تمام مذاهب اسلامی شرایطی را برای شهود بر شمرده‌اند. از جمله این شرایط بلوغ، عقل، ایمان و طهارت مولد است. با اینحال میان فرق مذهبی امامیه و اهل سنت در برخی از موارد اختلافاتی نیز وجود دارد. در بسیاری از موارد از جمله عدالت، عقل و طهارت مولد بین فقهای فریقین اختلافی نیست. عدالت شرط مورد اجماع فقهای امامیه و سایر مذاهب اهل سنت است. بنابراین اگر کسی به دروغگویی و فسق مشهور است، گواهی و شهادت او قبول نمی‌شود (نجفی، ۱۳۹۶، ص ۲۵).

از دیگر شروط شاهد ایمان است. به زعم شهید ثانی منظور از ایمان، اعتقاد به مذهب شیعه و امامت ائمه اثنی عشر علیهم‌السلام است. بنابراین اگر کسی شیعه باشد، ولی یکی از ائمه علیهم‌السلام را قبول نداشته باشد، شهادت او پذیرفته نیست؛ خواه از فرقه‌های دیگر شیعه باشد و یا از اهل سنت و خواه اعتقادش از روی تقلید از پدران و اجدادش باشد و یا اینکه خودش آن مذهب را انتخاب کرده باشد (شهید ثانی، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۸).

از جمله مواردی که بین علمای امامیه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد شهادت طفل است. علمای امامیه و علمای اهل سنت در خصوص عدم پذیرش شهادت صغیر غیرممیز اتفاق نظر دارند اما در مورد طفل ممیز میان آنان اختلاف است.

علامه حلی و شهید ثانی معتقدند: « شهادت اطفال ممیز فقط در قصاص و جراحات پذیرفته است، مشروط بر آنکه اطفال ده ساله باشند و بعد از وقوع حادثه، تا ادای شهادت متفرق نشده باشند و اجتماعشان بر امر مباح باشد» (حلی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۷، شهید ثانی، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۵).

مروارید در این باره می گوید: « شهادت اطفال ممیز فقط در قتل و جراحات سر و صورت به دو شرط پذیرفته می شود: اول، اطفال همه به یک گونه شهادت دهند؛ دوم، عدم تناقض گویی در شهادت» (مروارید، ۱۴۱۰، ص ۸۹).

محقق حلی می فرماید: « شهادت اطفال، به هیچ عنوان و در هیچ موردی مقبول نیست، مگر اینکه بالغ شوند.» (محقق حلی، ۱۳۶۸، ج ۴، ۱۷۸۲).

محقق اردبیلی نیز معتقد است که شهادت اطفال پذیرفته نیست. زیرا، اولاً: چون فرد غیربالغ، تکلیف ندارد و عقاب آن جایز نیست، بنابراین این فرد ایمن از دروغ نمی باشد؛ بنابراین شهادت چنین فردی قابل اعتماد نیست؛ ثانیاً شاهد، مکلف است به تحمل و ادای شهادت، در حالی که طفل، تکلیفی ندارد و مکلف بودن شاهد و عدم تکلیف طفل، با هم مغایرت دارند؛ ثالثاً: در شاهد، عدالت داشتن شرط است و در طفل، این شرط وجود ندارد؛ رابعاً اصل اولی، عدم اثبات حق به وسیله شهادت است و شهادت شخص بالغ جامع شرایط، از این اصل خارج می شود؛ ولی شهادت طفل ممیز، ذیل این اصل باقی می ماند؛ بنابراین در مخالفت با اصل باید به قدر متیقن اکتفا کرد؛ خامساً شهادت طفل بر خود او قابل قبول نیست، پس به طریق اولی بر دیگران نباید مقبول باشد؛ سادساً خداوند در قرآن فرموده است: « واستشهدوا شهیدین من رجالکم» کلمه رجال بر طفل صدق نمی کند (اردبیلی، ۱۴۰۹، ص ۲۹۳).

جمهور فقهای اهل سنت نیز شهادت طفل را به دلیل صدق نکردن عنوان رجال بر طفل آن شرطی که در آیه ۲۸۲ سوره بقره برای شهادت برشمرده شده است، پذیرفته نیست. در مقابل برخی از مالکیه، حنابله و شافعیه و شافعیه به جواز شهادت کودکان در مورد جرح و قتل، در میان خودشان قائل اند؛ قبل از آنکه متفرق شوند و همچنین بزرگانی از قضات قدیم نیز بر همین نظرند؛ از جمله: عبدالله بن زبیر، عرو بن زبیر، عمرو بن عبدالعزیز، ابن

ابی لیلا، زهری، مالک و ابوالزناد (محقق داماد، ۱۳۸۷، جلد ۳، ص ۷۵).

مشهور فقهای امامیه طهارت مولد را شرط پذیرش شهادت می‌دانند. از همین رو، برخی از فقها از جمله شیخ طوسی در کتاب الخلاف، علت عدم قبول شهادت ولد الزنا را اجماع فقهای امامیه می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۶۲۷).

### ۳. شرایط و ویژگی‌های شاهد در نظام حقوقی ایران

به موجب قانون مدنی ایران پنج شرط برای شاهد در نظر گرفته شده است. این شروط عبارتند از: بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت مولد. همچنین در این قانون مقرر شده است شهادت کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یا حق در دعوی داشته باشد و نیز شهادت کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند، پذیرفته نمی‌شود.

همچنین در نظام حقوقی ایران یکی از مواردی که همواره مورد بحث بین حقوقدانان است، بحث شهادت اطفال است. ماده‌ی ۱۳۱۴ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۴ درباره‌ی سن بلوغ شاهد چنین مقرر داشته است: «شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده‌اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد» از همین رو به منظور حل تعارض بلوغ در دختران و پسران گفته شده است: «در حال حاضر سن معتبر برای ادای شهادت پانزده سال تمام قمری است و تفاوتی بین دختر و پسر نیست.» (اوجاقلو، ۱۳۸۸، ص ۴۱) ولیکن، اگر احراز شود، گواه علی‌رغم داشتن پانزده سال، بالغ نشده است، فاقد شرایط گواهی است. برخی دیگر نیز با مجمل و غیرمیین دانستن استثنای مذکور در ماده‌ی ۱۳۱۴ قانون مدنی وارد بر ماده‌ی ۱۳۱۳ قانون مذکور، به شهادت اطفال نه ارزش بینه بلکه ارزش اماره ظنی داده‌اند که صرفاً در برخی امور مصرّحه همچون قتل، که موجب تحقّق لوث می‌گردد، قابل پذیرش می‌باشد (ساریخانی، ۱۳۹۲، ص ۸۹).

یکی دیگر از مسائل بحث برانگیز در باب شهادت در نظام حقوقی ایران وجود رابطه‌ی خادم و مخدومی است. همان‌طور که گفته شد برای نخستین بار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید قانونگذار اقدام به تعریف شهادت به معنای اعم و نیز شهادت شرعی نموده



است. همچنین در این قانون به موجب تبصره ماده ۳۲۲ رابطه خادم و مخدومی و قرابت نسبی یا سببی مانع از پذیرش شهادت شرعی نیست.

اما در قانون مدنی و امور حقوقی در خصوص رابطه‌ی خادم مخدومی و قرابت در شهادت تعیین تکلیف نشده است. بنابراین رابطه خادم و مخدومی میان شاهد و مشهودله به خودی خود از موانع شهادت نیست. زیرا اصل بر اعتبار چنین شهادتی است و دلیل محکمی که آن را بی اعتبار سازد وجود ندارد. نهایتاً ممکن است رابطه خادم و مخدومی از موارد در معرض اتهام قرار گرفتن شاهد باشد که البته تا وقتی اتهام شاهد مبنی ذی نفع بودن و جانبداری غیر واقعی احراز نشود باید اصل را بر اعتبار شهادت وی قرارداد.

از دیگر شرایط شهادت در نظام حقوقی ایران می‌توان به مواردی چون نبودن دشمنی دنیوی بین گواه و طرف مربوطه، ذی نفع نبودن شاهد و متکدی و ولگرد نبودن آن اشاره کرد. در نظام ادله‌ی کیفری برای مقام قضایی این تکلیف شناخته شده است که وی موظف به درج آن دسته از ویژگی‌های ظاهری جسمی و روانی شاهد که ممکن است در ارزیابی شهادت مؤثر باشد، در صورت مجلس می‌باشد. که البته رویه‌ی قضایی در امور حقوقی نیز اغلب با وحدت ملاک همین شیوه را در تصمیمات نهایی اتخاذ می‌کند.

#### ۴. ادله حجیت شهادت در فقه امامیه

حجیت داشتن شهادت مورد اتفاق نظر تمام فرق مذهبی اسلامی است. زیرا خداوند در آیه شریفه ۲۸۲ سوره بقره شاهد گرفتن را یکی از راه‌های برون رفت از نزاع‌ها و اختلاف‌های مالی بر شمرده است. گذشته از آن در روایات زیادی به شهادت و ارزش اثباتی آن پرداخته شده است که در ذیل به شرح اهم آن می‌پردازیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّمَا أَقْضَى بَيْنَكُمْ بِالْيَمِينِ وَالْأَيْمَانِ وَبَعْضُكُمْ أَلْحَنُ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ فَأَيُّمَا رَجُلٍ قَطَعْتَ لَهُ مِنْ مَالِ أَخِيهِ شَيْئًا فَإِنَّمَا قَطَعْتَ لَهُ بِهِ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۴۱۴) «[ای مردم!] تنها من در میان شما طبق گواهی گواهان و سوگندها دادرسی می‌کنم و [چه بسا باشد که] برخی از شما از برخی دیگر بهتر دلیل می‌آورد.

الحلبی عن أبي عبد الله عليه السلام قال كان علي عليه السلام يقول: لا أجزى في رؤية

الهِلال إِلا شَهَادَةَ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۱، ص ۱۲۵). حلبی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که همانا حضرت علی علیه السلام می فرمودند: «رؤیت هلال پذیرفته نیست، مگر به شهادت دو مرد عادل»

الإمام الرضا علیه السلام: جُعِلَتِ الشَّهَادَةُ أَرْبَعَةً فِي الزَّنا وَ اثْنَانِ. حَدِيثِي سَائِرِ الْحُقُوقِ؛ لِشِدَّةِ حَصْبِ الْمُحْصَنِ؛ لِأَنَّ فِيهِ الْقَتْلَ؛ فَجُعِلَتِ الشَّهَادَةُ فِيهِ مُضَاعَفَةً مُغْلَظَةً، لِمَا فِيهِ مِنْ قَتْلِ نَفْسِهِ، وَ ذَهَابِ نَسَبِ وَآلِدِهِ، وَ لِفَسَادِ الْمِيرَاثِ (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۱۷۴) امام رضا علیه السلام: در زنا، چهار شاهد و در سایر حقوق، دو شاهد تعیین شده است؛ چون سنگسار کردن مُحْصَن، کیفری سخت است. چرا که موجب کشته شدن می شود. از این رو، شهادت بر زنا، دو برابر شاهد خواسته و سفت و سخت گرفته شده است؛ زیرا در آن پای کشته شدن زناکار و از بین رفتن نسب فرزند او و ضایع شدن ارث و میراث در میان است.

الْعَيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ فِي حَدِيثٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ حَصَرَ الْغَدِيرَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ رَجُلٍ يَشْهَدُونَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَمَا قَدَرَ عَلَى أَحْذِ حَقِّهِ وَ إِنَّ أَحَدَكُمْ يَكُونُ لَهُ الْمَالُ (وَ يَكُونُ لَهُ) شَاهِدَانِ فَيَأْخُذُ حَقَّهُ فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمْ الْعَالِيُونَ فِي عَلِيِّ (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۷، ص ۲۳۸). صفوان جمال در حدیثی می گوید حضرت صادق علیه السلام فرمود: در روز غدیر، دوازده هزار مرد برای علی علیه السلام شهادت دادند، ولی ایشان نتوانستند حق خود را بگیرند؛ ولی اگر شما مالی داشته باشید و دو شاهد بر آن اقامه کنید، حق خود را می گیرید.

## ۵. ارزش اثباتی شهادت در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران قانون مدنی بعد از انقلاب با اصلاحاتی که منجر به حذف برخی از مواد قانون ۱۳۰۷ شد ارزش اثباتی شهادت تغییر پیدا کرد. در این قانون به موجب ماده ۱۳۰۶ مقرر گردیده بود: «جز در مواردی که قانون استثنا کرده است هیچیک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از پانصد ریال باشد نمی توان فقط بوسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت به اظهارات شهود رسیدگی کنند.» و در ماده ۱۳۰۷ آمده

بود: «در مورد عقود و ایقاعات و تعهدات مذکور در ماده فوق کسی هم که مدعی است به تعهد خود عمل کرده یا به نحوی بری شده است نمی‌تواند ادعای خود را فقط به وسیله شهادت ثابت کند.» که این مواد به موجب اصلاحات سال ۶۱ حذف گردیدند. همچنین ماده ۱۳۰۸ مقرر داشته بود: «دعوی سقوط حق از قبیل پرداخت دین، اقاله، فسخ، ابرا و امثال آنها در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده ولو آنکه موضوع آن سند کمتر از پانصد ریال باشد به شهادت شهود قابل اثبات نیست.» به موجب ماده ۱۳۰۹ - در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد. و نیز در ماده ۱۳۱۰ آمده بود: «اگر موضوع دعوی عقد یا ایقاع و یا تعهدی بیش از پانصد ریال باشد نمی‌توان آن را به وسیله شهود اثبات کرد اگر چه مدعی دعوی خود را به پانصد ریال تقلیل داده یا از مازاد آن صرفنظر کند.» که این مواد نیز در اصلاحات سال ۱۳۷۰ از قانون مدنی حذف شده است. بنابراین، با توجه به این امر که اعتبار و ارزش شهادت در شرع انور اسلام نامحدود می‌باشد و اصلاح قانون مدنی در مبحث شهادت در سال‌های ۶۱ و ۷۰ در جهت هماهنگی نمودن قوانین با حقوق اسلام، در باب ارزش شهادت بوده است و با حذف مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۱ قانون مدنی، که دامنه تأثیر شهادت در اثبات عقود و ایقاعات و تعهدات را محدود کرده بود به جایگاه اصلی خود از دیدگاه شرع بازگشت.

در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز به موجب ماده ۲۴۱ تشخیص ارزش و تأثیر گواهی به دادگاه محول شده است. این ماده اعم است یعنی شهود چه از نظر اخلاقی معتبر باشند و یا نباشند تشخیص گواهی و تأثیر آن با دادگاه است و ملاک این عمل آن است که بصدق گفتار شهود اطمینان حاصل گردد.

لازم به ذکر است، قانون مدنی عده گواهان را برای اثبات دعوی تعیین ننموده است و مدعی می‌تواند چندین گواه اقامه کند، که برای اثبات دعوی در نظر دادرسی کافی باشد ولی رویه قضایی تا قبل از قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در پرونده‌های حقوقی، به کمتر از چهار گواه اکتفاء نمی‌نمودند ولی با تصویب این قانون به موجب ماده

۲۳۰ در دعاوی مدنی (حقوقی) تعداد و جنسیت گواه، همچنین ترکیب گواهان با سوگند تبیین گردید.

اما مطابق قانون سابق آیین دادرسی و قانون فعلی تشخیص ارزش شهادت با دادگاه رسیدگی کننده به دعوا است. که این امر نیز حکایت از طریقت داشتن شهادت در نظام ادله‌ی اثبات در قانونگذاری ایران دارد.

همچنین در نظام حقوقی ایران در تعارض شهادت با سایر ادله از جمله سند و سوگند، اقرار و اماره رویکردهای متفاوتی اتخاذ شده است. بدین نحو که بنا بر ماده اصلاحی ۱۳۳۵ قانون مدنی توسل به قسم وقتی ممکن است که دعاوی مدنی نزد حاکم به موجب اقرار یا شهادت یا علم قاضی بر مبنای اسناد یا امارات ثابت نشده باشد، در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است، منوط به قسم او نماید. پس توسل به قسم زمانی امکان دارد که دعوا با ادله دیگری یعنی شهادت، اقرار، سند، امارات ثابت نشود، پس در صورتی که خواهان برای اثبات ادعای خود دلیل نداشته باشد، می‌توان از دادگاه به هنگام تقدیم دادخواست، تقاضا نماید که در صورت انکار خواهان سوگند یاد نماید. بنابراین اگر از مدعی اقرار یا سند یا شهادتی باشد که نافی حق اوست دیگر برای اثبات آن حق نمی‌تواند مدعی علیه را قسم دهد. حضرت امام معتقدند: احوط، مقدم نمودن شاهد و اثبات عدالتش است سپس قسم؛ پس اگر قسم مقدم شود سپس شاهد اقامه گردد احوط عدم اثبات آن است، اگر چه شرط نبودن تقدیم شاهد خالی از قوت نیست (موسوی زاده، ۱۳۹۵، صص ۸۱-۷۶).

همچنین در خصوص تعارض شهادت با سند رسمی دو نظر متفاوت وجود دارد. چراکه، به موجب ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد. که این ماده به موجب نظریه‌ی شورای نگهبان ابطال شده است. برخی از اساتید علم حقوق از جمله مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان معتقدند که شورای نگهبان شان ابطال قوانین مصوب مجلس را نداشته لذا این ماده به قوت خود باقی است. و برخی دیگر نظر به ابطال بنا بر نظریه اخیرالذکر دارند.

در باب تعارض شهادت و امارات قضایی نیز رویکردهای گوناگونی بین حقوقدانان وجود دارد. برخی همچون دکتر لنگرودی معتقد است: « در تعارض اماره قضایی با شهادت شهود، اماره قضایی مقدم است زیرا شهادت شهود، موجب ظن به مشهود به است و اماره قضایی موجب علم قاضی به واقع است و ظن را توانایی مقابله با علم نیست و اگر هم معتقد شویم که شهادت موجب علم عادی است در این صورت نیز اماره قضایی مقدم بر شهادت شهود است زیرا اماره قضایی دربردارنده علم شخص قاضی است. در حالی شهادت شهود علم عادی نوعی را بدنبال دارد و علم شخصی بر علم نوعی مقدم است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸۶).

اما دکتر کاتوزیان معتقد است که اعتبار اماره کمتر از سایر دلایل است و اماره قضایی با توجه به اینکه اوضاع و احوال ویژه مورد دعوی است قرآینی می باشد که باعث اقتناع وجدان قاضی می گردد و به همین دلیل امکان تعارض بین اماره و دلیل وجود دارد و قانون مدنی نیز در خصوص ارجحیت یکی بر دیگری حکمی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۶۰).

## ۶. رویکرد علم روانشناسی به شهادت

پژوهش های روان شناختی مبین این حقیقت است که نارسایی در شهادت و پذیرش کورکورانه شهادت می تواند خطرات جدی به همراه داشته باشد. بنابراین ضرورت دارد که بررسی صحت اظهارات شهود، جایگزین زودباوری و پذیرش بی چون و چرای آن شود. شناخت قاضی به علم روانشناسی قضایی شاهد و عوامل موثر بر روان شاهد در مرحله تحمل و ادای شهادت، موجب اقتناع وجدان خود شده و با وجدان راحت مبادرت به صدور رای می نماید.

### ۱-۶. عوامل سازنده ذهنیت شاهد

روانشناسی حقوقی به این نتیجه رسیده اند که عناصر و عواملی نظیر: شخصیت، سن، نژاد، حافظه و هیجان، نقش موثر در شکل گیری ذهنیت شاهد دارند.

۱- **شخصیت:** شخصیت از جهات گوناگون مانند: برون گرا یا درون گرا بودن،

روان‌آزردگی، وظیفه‌شناسی، گیجی، کم‌دقتی، انحرافی بودن، جامعه‌ستیزی، اسکیزوفرنی، توصیفی، تفسیری و سطحی مورد بررسی قرار می‌گیرد و همچنین چگونگی تیپ‌های مختلف شخصیتی که می‌تواند در انواع مختلف بازجویی و تحقیق شهود موثر باشد و اینکه تیپ‌های مختلف شخصیت شاهدان در مرحله‌ی ارزیابی نهایی قضایی چگونه و به چه اندازه تأثیرگذار است.

گذشته از اختلافی که در زمینه تقسیم بندی ویژگی‌های شخصیتی میان پژوهشگران وجود دارد اما نوعی توافق در رابطه با پذیرش پنج بعد ویژگی شخصیتی آدمی متصور هستند، که این پنج بعد عبارتند از: منعطف بودن، وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی، دل‌پذیر بودن، روان‌آزرده خوبی (اتکینسون، ۱۴۰۰، ص ۲۸۵).

**۲- جنسیت:** یکی از مهمترین معیارها، بحث تفاوت جنسیتی می‌باشد، چرا که به دلیل تفاوت‌های مختلف در فرهنگ‌ها به خصوص فرهنگ‌های اسلامی، تفاوت‌هایی میان شهادت مرد و زن قائل شده‌اند و از سوی دیگر جنبش‌های فمینیستی در کنار تحقیقات علمی، به برابری شناختی توانایی مرد و زن معتقدند، بنابراین این تضاد اجتماعی به بحث‌های روانشناختی و حقوقی نیز کشیده می‌شود. از تحقیقاتی که راجع به تفاوت زن و مرد صورت گرفته می‌توان به مواردی از آنها اشاره کرد:

در رابطه با پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته می‌توان به علتی مانند حافظه شناختی زنان برای تشخیص چهره اشاره کرد که نسبت به مردان دقیق‌تر هستند. محققان دریافتند که میزان موفقیت تشخیص رنگ چهره، در دختران ۸۱٪ به نسبت ۷۱٪ در پسران بوده است. همچنین بر اساس مشاهدات صورت گرفته از سوی روانشناسان در بحث تفاوت میان مرد و زن می‌توان به تغییرات هورمونی زنان در عادات ماهیانه و نیز تغییرات دوره‌ی یائسگی و پس از آن اشاره کرد که موجب تغییراتی در توانایی‌های شناختی و یادآوری آنها می‌شود که در جهت امر و موضوع شهادت دچار مشکل و آسیب‌رسانی به واقعیت‌ها در خلال اتفاقات صورت گرفته می‌شود. طبق نظریه‌های اولیه در خصوص تفاوت‌های جنسیتی شهود حاکی از این موضوع است که که توانایی مردان به طور کلی بیشتر از زنان است. یکی از این

نظریه پردازان، ویلیام استرن<sup>۱</sup> است که ادعا میکرد توانایی‌های شناختی مردان بهتر از زنان است. هرچند، تحقیقات زیادی یافته‌های او را به چالش کشیدند و نشان دادند که به طور کلی، هیچ تفاوتی بین توانایی شهود مرد وزن وجود ندارد (D. Yarmey, 2010, p559-563). در آزمون‌های در سال ۱۹۷۸ کلیفورد<sup>۲</sup> و اسکات<sup>۳</sup> پابست کردند که زنان و مردان در یادآوری جزئیات یک واقعه غیر خشونت‌آمیز برابرنند (آشوری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۶۳). اما مردان در یادآوری جزئیات یک واقعه خشونت‌آمیز بهتر از زنان هستند (B.R Clifford and J. Scott, 1978, p52-59). همچنین در آزمون‌های، فیلمی به آزمون‌شوندگان نشان داده شد که در آن فیلم، مردی به زنی نزدیک شد و از او تقاضای پول کرد، ولی زن امتناع کرد و بعد مرد به زن حمله و کیفش را ربود. نتایج این آزمون نشان داد، که زنان در یادآوری صحنه‌ای که قربانی آن زن هست، دقیق‌تر هستند. در آزمون‌های دیگر که بر روی دانشجویان دوره لیسانس رشته روانشناسی انجام گردید، یکی از دانشجویان مرد و یک زن در کلاس کنفرانسی ارائه دادند. روز بعد، پرسشنامه‌ای در اختیار دانشجویان کلاس قرار داده شد که مربوط به روز قبل می‌شد. نتایج آزمون نشان داد که روی هم رفته، زنان در خصوص سوالاتی که مربوط به زنان می‌شد، نسبت به مردان قابل اعتمادتر بودند (آشوری و همکاران، همان). به طور کلی تحقیقات نشان می‌دهد که هیچ تفاوت محسوسی بین توانایی‌های شناختی بین زنان و مردان وجود ندارد و اینکه چرا بین شهادت زن و مرد در دین اسلام قائل به تفکیک شده‌اند هیچ مبنای علمی وجود ندارد.

**۳- نژاد:** نژاد را به عنوان یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر شهادت، می‌توان برشمرد. موضوعیت نژاد در کشورهایمانند آمریکا، که دارای اختلاط نژادی فراوان است، بیشتر از کشورهای دارای نژادهای یک دست، نمایان می‌شود. همچنین می‌توان موضوعیت بحث در حقوق کنونی را، با بحث قومیت در ایران مقایسه کرد. با اینکه نژاد مفهوماً با مساله قومیت‌ها متفاوت است. ولی در برخی موارد ممکن است عوامل قومیت و نژاد توأمان در

1. Strem
2. Clifford
3. Scott

ادای شهادت، تاثیر داشته باشند. زیرا به همان نسبت که عامل نژادی، ممکن است باعث مقاومت شاهد در بیان یا تحریف واقعیت‌ها شود، مساله قومیت نیز، می‌تواند موجب مقاومت یا دگرگونی واقعه در بیان شهادت شاهد باشد. تحقیقات انجام گرفته نشان از آن دارد که عامل نژاد می‌تواند یکی از عوامل تاثیر گذار بر رو اعتبار شهادت باشد. طبق آزمون‌های روانشناسی که در این خصوص انجام گرفته است و نتایج آن بیان میدارد در ارزیابی اعتبار شهادت شاهدین، به اختلاف نژاد میان شاهد و مشهود علیه باید توجه نمود. برای نمونه در آزمونی که بر روی دانشجویان سفید پوست از دانشگاه ایلینیز<sup>۱</sup> و دانشجویان سیاه پوست از دانشگاه هاروارد صورت گرفت، در این آزمون، هر دانشجو باید در یک تائیه ۱۰ سفید پوست و ۱۰ سیاه پوست را می‌دیدند. نتایج آزمون حکایت از آن داشت که دانشجویان در شناسایی چهره هم نژاد خود بهتر از غیر هم نژاد خود بوده‌اند (آشوری، همان، ص ۶۴).

با توجه به آنچه بیان گردید عدالت قضایی ایجاب می‌کند که بازپرسان و قضات به اختلاف نژاد میان شاهد و متهم به عنوان یک اماره منفی در اعتبار شهادت توجه داشته باشند و با پیش‌فرض‌های منفی در مورد ارزیابی یک نژاد خاص در حافظه و توانایی شناختی آنان شتاب زده تصمیم‌گیری نکنند.

۴- سن: سن از آنجا که یک مقوله‌ی مهم تلقی می‌شود و در طول زندگی عملکردهای حسی و ادراکی به طور دایم در حال تغییر می‌باشند ولی این تغییرات در دوران جوانی کندتر از دوران کودکی و نوزادی رخ می‌دهد و این در حالی است که با رسیدن به سن چهل سالگی این تغییرات رفته رفته کاهش می‌یابند (استانلی کورن و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲).

در این رابطه می‌توان به بالا رفتن سن اشاره کرد که موجب حساسیت بینایی و شنوایی می‌شود و نیز به عارضه پیرچشمی که تأثیرگذار در رابطه با موضوع شهادت است، اشاره نمود. از جمله تغییرات دیگر در رابطه با بالا رفتن سن میتوان به مغزی اشاره کرد، زیرا که افراد پیر نمی‌توانند مانند جوانان عکس‌العمل سریع از خود نشان دهند. تحقیقات

1. Illinois



نشان داده که ۱۵٪ افراد ۱۵ ساله را می‌توان در گروه افرادی که نقص شنوایی دارند، قرار داد. این آمار در افرادی که ۷۰ سال دارند و دارای مشکل شنوایی هستند به ۷۵٪ می‌رسد. همچنین تفاوت‌های بارزی بین حافظه بزرگسالان و کودکان وجود دارد. به عنوان مثال توانایی حافظه ک. تاه مدت یک کودک در خصوص ذخیره اطلاعات کمتر از بزرگسالان است و یا اینکه بزرگسالان در میزان انتقال اطلاعات حسی از حافظه کوتاه مدت به حافظه بلند مدت نسبت به کودکان توانایی بیشتری دارند که این امر نشان دهنده این است که یادآوری اطلاعات کودکان ضعیف تر از بزرگسالان می‌باشد.

یکی از مهمترین مسائل که در بررسی شهادت کودکان حائز اهمیت می‌باشد مسئله تلقین‌پذیری کودکان می‌باشد. بنابراین نیاز اساسی به ترقی مهارت‌های مصاحبه با کودکان توسط افسران پلیس، بازپرسان و قضات و اجتناب از سوالات تلقینی، وجود دارد.

## ۲-۶. تاثیر پذیری مرحله تحمل شهادت از عوامل روانی موثر بر ادراک

در تحمل شهادت یک سری عوامل روانی بر ادراک تاثیر گذار می‌باشد. از جمله عواملی که تاثیر مستقیم بر درک فرد از واقعه میتواند داشته باشد، شرایط شخصی است. این شرایط تحت عنوان شرایط درونی شامل مصادیقی مانند، عادات روانی، میزان توجه، احساسات درونی و هیجان است که در ذیل به شرح آن پرداخته خواهد شد.

### ۱-۲-۶. عادات روانی

برای روشن شدن این موضوع به بیان مثالی می‌پردازیم.

استادی متوجه می‌شود که مدالی که هر روز صبح به بند ساعت خود می‌آویخت گم شده است. شاگردان کلاس تصدیق می‌کردند که صبح همان روز مدال را دیده‌اند که با ساعت آویخته شده است و تمام جزئیات آن را شرح دادند. اما مدال در رستورانی پیدا می‌شود که استاد روز قبل در آنجا برای غذا خوردن به آنجا رفته است.

با این مثال مشخص می‌شود که افراد در زندگی خود دچار چنین اشتباهاتی می‌گردند و گمان می‌کنند کاری که هر روز انجام شده است در آن روز معین هم انجام گرفته است. به

دیگر بیان تکرار یک عمل ما با به دعادت می‌رساند. بنابراین ارزشیابی هر شهادت مستلزم در نظر گرفتن رابطه فرد با موضوع در مرحله نخستین از ادراک می‌باشد. زمانی که درک به صورت ناقص صورت گیرد شخصیت و عادات روانی فرد سعی می‌کند که نواقص را تکمیل نماید. پس به این نتیجه میرسیم که هر ادراکی، برداشت مستقیم از واقعه نمی‌باشد و عادات روانی و شخصیت فرد بر این ادراک تاثیر می‌گذارد.

### ۲-۲-۶. میزان توجه

شرایط شهادی که دارای آمادگی قبلی می‌باشد با شهادی که به طور ناگهانی، غیر ارادی، غیر منتظره و بدون رغبت شاهد واقعه‌ای می‌شود تفاوت بسیار دارد. مساله رغبت و انگیزه یکی از عواملی موثری می‌باشد که میتواند در برانگیختن توجه اثر گذار باشد. عوامل گوناگون دیگری مانند مشغله ذهنی فرد می‌تواند در میزان توجه اثرگذار باشد.

بنابراین دادرسان در مقام رسیدگی باید به این شرایط توجه کافی را داشته باشد و بررسی نماید که آیا شخص شاهد توجه کافی در هنگام تحمل شهادت را داشته است یا خیر.

### ۲-۲-۳. احساسات و عواطف

ممکن است ادراک شخص با استفاده از عواطف و احساسات به سوی دیگری منحرف شود و یا اینکه انسانی که دستخوش خشم شدیدی است حقایق را به دست فراموشی بسپارد و بدون توجه به تاثیر حالات هیجانی خود اطلاعاتی درباره واقعه بدست آورد که راجه به صحت آن هیچ گونه تردیدی نداشته باشد و هیجان و خشم خود را جانشین منطق و استدلال می‌کند و به داوری و قضاوت درباره وقوع حادثه می‌پردازد.

بنابراین کسی که باید با توجه به شهادت حکم کند لازم و ضروری است که بداند شاهد تحت چه شرایط روانی و عاطفی به تحمل شهادت پرداخته و اینکه بتواند این هیجان‌ات و عواطف را مشخص کند تا از این طریق بتواند دقیق تر به ارزشیابی شهادت و احقاق حق بپردازد.

در اینجا تعریفی از هیجان ارائه می‌دهیم به این صورت که هیجان عبارت است «از وضعیت پیچیده ای که در پاسخ به تجربه‌های دارای بار احساسی ارائه می‌شود» (اتکینسون، ۱۴۰۰، ص ۲).

مصادیق آن از جمله: ترس، شادی، عصبانیت، نفرت، استرس که در صحنه دنیای واقعی هر لحظه و هر روز اتفاق می‌افتند که ممکن است در صحنه دادگاه نیز روی دهند (Belmont, R and ceiselman E, 1990, P11).

وقتی شخص متهم و یا شاهد هیجان‌های مختلف را در صحنه دادگاه نشان می‌دهد، استنباط‌های مختلف را در قضاوت و هیأت منصفه برمی‌انگیزاند و در بسیاری از موارد قضاوت و هیأت منصفه به درست یا نادرست، بر مبنای همین هیجان‌ها قضاوت خود را بنا میکنند. بر اساس جدولی که توسط یک روانشناس به نام پلاچیک ساخته و پرداخته شده در آن اقسام هیجان و ساز و کار آن به جنبه‌های مختلفی تقسیم بندی شده است، که در آن هیجان به هشت دسته ذیل می‌باشد:

«اندوه ناشی از مرگ عزیزان، ترس ناشی از تهدید، خشم ناشی از مانع، شادی به خاطر همدم، اعتماد به خاطر عضو خانواده بودن، انزجار به خاطر رویت شیء وحشت‌انگیز یا انتظار و شگفتی ناشی از یک شیء نوظهور که هر کدام از مصادیق هیجان هستند که دارای بار احساسی خاص خود می‌باشند. یکی از مواردی که خشونت زیادی را می‌طلبد و تأثیر بسیار مخربی بر عواطف و احساسات شخص می‌گذارد جرایمی است که در آن مجرم با اسلحه گرم به ایجاد عمل بزه کارانه خود مثلاً سرقت از بانک، که باعث استرس و هیجان منفی ترس در شاهدین احتمالی، است که در آنها بیشتر بروز می‌کند. در این رابطه و تأثیر استرس و ترس می‌توان گفت که شاهد اثر منفی یا مثبت قویتری نسبت به سایر هیجان‌ها و حافظه شخص شاهد دارد و قضاوت و هیأت منصفه چندان به دنبال یافته‌های روان‌شناختی نیستند. روانشناسان قضایی تحقیقات فراوانی در خصوص مسأله استرس شاهد و تمرکز بر اسلحه انجام داده‌اند که از متخصصین روانشناسی است، اشاره نمود. آنچه که در رابطه با کارکرد حقوقی عامل هیجان در تحمل

شهادت میتوان گفت، به این شرح است که: بر مبنای تحلیل یکی از محققان قدیمی: احساسات (هیجان‌ها) بزرگترین منبع توهم است که عملیات عقلی را مختل می‌سازد. فردی که تحت تأثیر ترس است، چیزی که کوچکترین شباهتی با محرک ترسناک دارد را به عنوان محرک شناسایی میکند. بنابراین این عمل دستگاه ادراکی ناشی از هیجان، فلج می‌شود. همچنین عشق و نفرت و به ویژه نفرت، تأثیرات چشم‌گیری در قضاوت دارند. عشق ادراک را محدود و مختل میکند ولی خطرناک نیست. زیرا امری دلنشین است. اما نفرت سبب دروغ‌گویی و خطای حسی می‌شود. به طوری که احتمال دارد امر شهادت را کلاً و از ریشه به خطا اندازد. بنابراین، از شاهد عینی کینه توز که بدخواه دیگران است باید ترسید و احتراز نمود.» (اتکینسون و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۲).

بنابراین آنچه که بیان گردید می‌توان به این نتیجه رسید که هیجان‌ها می‌توانند در تصمیم‌گیری و قضاوت ما تأثیر داشته باشند. قاضی یا بازپرس هنگام ارزیابی شهادت باید بررسی کند که حالت هیجانی شاهد حین تحمل حادثه چگونه بوده است. البته از روی هیجان موقع ادای شهادت، می‌توان پی به هیجان زمان تحمل حادثه برد، زیرا اگر حادثه‌ای ترسناک اتفاق افتاد، در این صورت هنگام اداء حداقل برای بار اول همان هیجان تکرار و تداعی شده و در فیزیولوژی و چهره‌ی شاهد آشکار می‌شود. بنابراین پس از آنکه وجود و شدت هیجان مزبور احراز شد می‌باید بررسی کرد که هیجان مذکور چه تأثیر منفی در حافظه شاهد دارد.

## ۲-۵-۶. پیش‌فرض‌ها

کلیه باورها و تصورات تداوم یافته ذهنی، که در سه مرحله شناخت و یادآوری و تفسیر کردن قضایا تأثیرگذار هستند «پیش‌فرض‌ها» نامیده می‌شود. این باورها، جهت‌گیری خاصی را به اطلاعات خام اخذ، شده از دستگاه‌های حسی تحمیل می‌نمایند. بنابراین پیش‌فرض، شامل بافت و تصورات قابل و اسنادها طرح‌واره‌ها هستند. در واقع به عمد اصطلاح پیش‌فرض در معنای فوق جعل شده است تا بتواند نظریه‌های کاربردی روانشناسی

را که با عناوین مختلف طبقه بندی می‌شوند. ضمناً بحث از جنبه‌های کاربردی حقوقی نیز واجد این فایده است که به مقنن قابلیت پیش بینی آن عناصر ذهنی را می‌دهد که موجب تحریف واقعیت مورد شهادت می‌شوند. و شاهد را از حالت بی طرفی خارج میکنند. تا مبادا آلودگی و تیرگی پیش فرض موجود در ذهن شاهد به ذهن قاضی تسری پیدا کند (التاویلا، ۱۴۰۰، ص ۲۸).

پیش فرض دیگر مربوط به پیش فرض تفسیری شناختی می‌باشد، که منظور از آن قالب‌های ذهنی است که باعث میشود ذهن شاهد هم در مرحله ادراک قضیه و هم در مرحله یادآوری و ادای آن، به سوگیری و جهت گیری متمایل کند. مثلاً شهادی با پیش فرض سوء ظن به متهم، در حالیکه شخص دستش را در کیفش بکند اما شاهد با تصور و ذهنیت اشتباه که در جیبش چاقو داشته و قصد تهدید مجنی علیه را داشته، این واقعه‌ی ذهنی با یک پیش فرض تبدیل به واقعه‌ی ادعایی شهادتی خواهد شد. ویژگی این پیش فرضها آنست که بیشتر در مرحله‌ی تفسیر شاهد از قضیه و نه ادراک وی موثر است. به این معنا که شاهد واقعه‌ی مورد ادعا، مثلاً چاقوکشی، واقعیت فوق را صراحتاً ندیده بلکه استنباط و ادراک میکند. در واقع شاهد اینجا از مرحله‌ی شهادت عبور کرده و به خود جرأت داده و غاصبانه به مرحله‌ی قضاوت وارد شده و بعضاً حکم نیز، برای متهم صادر میکند. قاضی تیزبین می‌باید، با دقت ویژه ادراکات وی را از تفسیرهای وی متمایز و بعد ارزیابی کند. در ادامه بحث پیش فرضها و اینکه بتوان در مقابل آنها سپری قرار داد و به مقابله با آنها برخاست، می‌توان استفاده از سیستم باز پرس و تحقیق و تحقیق متقابل از شهود را که برگرفته از حقوق کامن لا است برای سیستم قضایی ایران توصیه کرد (دادستان، ۱۳۹۹، ص ۲۱).

در این مورد با تفسیر موسع از ماده‌ی ۲۳۸ آ. د. مدنی، به پرسش و پاسخ‌های خود اکتفا نکرده، بلکه به طرفین دادرسی به ویژه وکلا اجازه‌ی تحقیق و پرسشگری از شهود را داد. زیرا با وجود پیش بینی مقنن و حق قائل شدن برای طرفین و وکلای آنها، عملاً این تحقیق و پرسش و پاسخ از شهود توسط اصحاب دعوا به طور نظام مند انجام نمی‌پذیرد.

## ۷. تاثیر پذیری روان شاهد در ادای شهادت

یاد آوری و بازگویی تحت تاثیر چگونگی شکل گیری تصاویر قرار دارند البته در جریان فرایندهای بعدی نیز تحت تاثیر قرار میگیرند اما با این حال شرایط یاد آوری از تثبیت آنها از درجه اهمیت کمتری برخوردار است.

### ۷-۱. یاد آوری و بازگویی

گذشت زمان به تغییر، بازسازی، کمرنگ شدن و حتی محو شدن خاطرات کمک میکند و تمامی آنچه را که از یک رویداد درک و ضبط گردیده است دچار اختلال کرده و ناقص میکند.

گذشت زمان باعث می شود وقایع ضبط شده و جزئیات آن یکی پس از دیگری فراموش شود و یا این جزئیات چنان در هم پیچیده شود که دیگر قابلیت ارائه نداشته باشد. به همین دلیل است که بین دو شاهد که با فاصله زمانی واقعه ای را مشاهده کرده اند، شهادی که زمان مشاهده نزدیک تری دارد ارجح شمرده می شود.

همچنین اگر از شخصی شهادت های متعددی صورت پذیرد، شهادت ابتدایی باید ملاک قرار گیرد زیرا که فرد در شاهد اولیه خود تخیلات و افکار خود را با واقعیت ترکیب نکرده است و واقعه را به همان صورتی که رخ داده بیان می کند. در نهایت باید به این نکته توجه داشت که فواصل زمانی، احتمال بروز اشتباه را در شهود افزایش می دهد و اختلاف نظر شهود به مراتب بیشتر می شود.

### ۷-۲. فضای حاکم اطراف شاهد

در فاصله زمانی بین تحمل شهادت و ادای شهادت ممکن است رویدادهایی رخ دهد که بر ادراک و بازگویی شاهد اهمیت بیشتری داشته باشد. این عوامل ممکن است به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر فرد اثرگذار باشد.

از جمله این عوامل میتوان به وسایل ارتباط جمعی و روزنامه ها اشاره نمود. ممکن است در مسایل جنایی هیجان انگیز، روزنامه ها که طالب اخبارند و کمتر به صحت خبر توجه

می‌نمایند بر فضای حاکم بر جامعه و وضعیت روانی شاهد تاثیر بگذارند و شاهد با خواندن یک شرح نادرست از رویدادی که خود شاهد آن بوده است این تمایل را در خودش ایجاد نماید که شهادت را با برداشت جدید که جنبه عمومی دارد منطبق سازد و اینگونه خود را هم‌رنگ و هم نظر با عموم نماید.

عوامل موثر دیگری که میتواند بر بازگویی شاهد اثر گذار باشد مسئله شایعات است. بنابراین اگر شاهد شخصی تلقین پذیر و دارای شخصیت انفعالی می‌باشد، در این مواقع باید از شاهد درخواست نمود تا به طور دقیق هر آنچه را که دیده بیان کند و اگر شایعه ای در این باره شنیده است منع آن را نیز بیان کند.

با عنایت به اینکه تفاوت‌های فردی و شخصیتی در پیش بینی رفتار و گفتار شاهد موثر است و از مقنن انتظار می‌رود که نگاهی منطقی به تفاوت‌های فوق الذکر داشته باشد. البته باید اذعان داشت که مقنن به شاهد نگاه ساده نوعی دارد و ویژگی‌های شخصی شاهد ابداً در قانون در نظر گرفته نشده است.

### نتیجه‌گیری

شهادت شهود در زمره‌ی مهمترین ادله در نظام حقوقی و فقه اسلامی می‌باشد. از همین رو، فقها بیشترین ارزش اثباتی بعد از اقرار را برای شهادت شهود قائل هستند. شهادت شهود در سایر نظام‌های دادرسی نیز به عنوان یکی از مهمترین ادله اثبات دعوا با تفاوت‌هایی کم و بیش مورد پذیرش قرار گرفته است. مسلم است که با توسعه ارزش و اعتبار این دلیل و برای آنکه امنیت قضایی به مخاطره نیفتد، به منظور برای ارزیابی دقیق آن شرایطی برای شهادت پیش‌بینی شده است که گروهی از آنان مربوط به شخص شاهد و گروهی دیگر مربوط به شهادت است.

یافته‌های ما در این مقاله حاکی از آن است که، درباره شرایط شهود میان علمای مذاهب مختلف اسلامی، اختلاف نظر وجود دارد. اکثر علمای امامیه شش شرط را لازم دانسته‌اند که عبارت‌اند از: بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، طهارت مولد و انتفای تهمت. برخی نیز اسلام را جداگانه در کنار ایمان ذکر کرده‌اند. در مقابل، فقهای اهل سنت شرط ایمان و

طهارت مولد را ذکر نکرده‌اند و به جای آن حریت، بینایی و قدرت تکلم را لازم دانسته‌اند. از سوی دیگر تاثیرپذیری شهادت و شهود از عوامل روانی نیز برکسی پوشیده نیست. به گونه‌ای که البته علم روانشناسی تفاوت‌های فردی و شخصیتی شاهد در پیش بینی رفتار و گفتارهای وی مؤثر می‌شناسد. اما در نظام حقوقی ما نگاه مقنن به شاهد یک نگاه کاملاً ساده‌انگارانه و نوعی است و به هیچ عنوان در قوانین موضوعه و جاری ویژگی‌های شخصیتی شاهد در قانون در نظر گرفته نشده است. در حالیکه این ویژگی‌های شخصیتی تاثیرات بسیار مهمی را در روند رسیدگی و دادرسی‌های عادلانه دارد. به طور مثال ویژگی‌های چون مراقب یا بی خیال بودن شاهد و گنجی یا کم دقتی میزان دقت شاهد در ضبط جزئیات واقعه را تعیین می‌نماید.

همچنین ما دریافتیم که سن شاهد بر ادراک آن تاثیر بسزایی دارد. همان‌طور که شهادت کودکان به دلیل تلقین‌پذیری با شبهات بسیاری مواجه است، شهادت افراد کهنسال نیز بر خلاف آنچه عرف از نظر اعتبار بخشی به شهادت این دسته از افراد در نظر می‌گیرد با ایرادات روانشناختی مواجه است که شایسته بنظر می‌رسد مقنن و دستگاه قضا نیز به این مهم توجه بیشتری داشته باشند.

تاثیرات هیجانات بر شهادت نیز مبین آن است که، از بایسته‌های رسیدگی عادلانه قضایی آن است که قاضی یا بازپرس در مرحله‌ی ارزیابی شاهد باید توجه ویژه‌ای به حالت هیجانی شاهد حین تحمل حادثه داشته و آن را مورد ارزیابی قرار دهد. که این امر را می‌توان از روی هیجان موقع ادای شهادت، دست کم برای اولین بار نیز، می‌توان پی به هیجان زمان تحمل حادثه برد. زیرا اگر حادثه موجب ترس یا اضطراب در شاهد شده باشد. طبعاً اثر یادآوری حادثه گذشته در حالات فعلی وی مشهود است بعلاوه در مورد حوادثی که توأم با خشونت بالا واقع می‌شوند.

همچنین با تاسی از رهنمود پروفیسور مونسترگ شایسته است که حافظه و حالات روانی شاهد پیش از ورود به مرحله‌ی تحقیقات و رسیدگی مورد ارزیابی اهل خبره و روانشناسان کارآزموده قرار گیرد تا با توجه به میزان تاثیرپذیری شهادت از این عوامل، ایراد صدمات مادی و معنوی اطراف دعوا را مانع گردد.



## فهرست منابع

۱. آشوری، محمد، و همکاران، (۱۳۹۵)، سنجش تاثیر پذیری از روانشناسی شهادت در رویه علمی دادرهای تهران، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۷، صص ۸۵-۵۷.
۲. اتیکسون، ریتا و همکاران، (۱۴۰۰)، زمینه‌ی روانشناسی هیلگارد، مترجم: مهرداد بیک و همکاران، چاپ چهل و هشتم، تهران: انتشارات رشد.
۳. استانلی کورن و همکاران، (۱۳۸۷)، احساس و ادراک، مترجم سیاوش جمالفر، تهران: ارسباران.
۴. اوجاقلو، ابراهیم، شرایط شاهد به عنوان یکی از ادله اثبات حق در حقوق ایران، ماهنامه دادرسی، شماره ۷۶، ۱۳۸۸.
۵. الناویلا، انریکه، (۱۴۰۰)، روانشناسی قضایی (جلد اول و دوم)، مترجم: مهدی کی‌نیا، تهران: نشر مجد.
۶. الجبعی العاملی، زین‌الدین (شهید ثانی)، [بی‌تا]، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۳، تصحیح و تعلیق سید محمد کلاتر، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۷. الجبعی العاملی، زین‌الدین (شهید ثانی)، (۱۴۱۳ ق)، مسالک الافهام، ج ۱۴، قم، انتشارات مؤسسه معارف الاسلامیه.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۸)، دانشنامه حقوقی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۱۸، قم: مؤسسه آل‌البتین (پایگاه) لاحیاء التراث.
۱۰. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه)، [بی‌تا]، تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه، قم، مؤسسه آل‌البتین لاحیاء التراث الاسلامی.
۱۱. دادستان، پریرخ، (۱۳۹۹)، کتاب روانشناسی مرضی تحولی - جلد اول: از کودکی تا بزرگسالی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

۱۲. ساریخانی، عادل و همکار، (۱۳۹۲)، بررسی فقهی و حقوقی ابراز شهادت توسط اطفال، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۱۰۲-۸۳.
۱۳. صفایی، حسین، (۱۳۸۳)، ارزش اثباتی شهادت در حقوق خصوصی، پژوهش‌های حقوق عمومی، دوره ۶، شماره ۱۳، صص ۱۵۷-۱۳۳.
۱۴. طباطبائی، سیدعلی، (۱۴۲۲ ق)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل‌البتیت.
۱۵. عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ عمید، تهران: نشر هور.
۱۶. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ ق)، الوافی، جلد ۱۱، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمومنین علی علیه السلام العامه.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲)، مقدمه علم حقوق، تهران شرکت سهامی انتشار.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) الکافی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۷، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۹. محقق حلّی، جعفر بن الحسن (۱۳۶۸ ش)، شرائع الاسلام، ترجمه احمد یزدی، تهران: انتشارات دانشگاه.
۲۰. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۷ ش)، قواعد فقه، ج ۳، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۱. مروارید، علی اصغر، (۱۴۱۰ ق)، سلسله‌الینابیع الفقهی، ج ۱۱، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۲۲. موسوی زاده، مریم، (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی شهادت در حقوق موضوعه ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۲۳. نجفی، محمدحسن، (۱۳۹۶ ش)، جواهرالکلام، ج ۴۱، تهران: المکتبه الاسلامیه.
24. B.R Clifford and J. Scott,(1987), "Individual and Sittuational Factors in Eyewitness Testimony," Journal of Applied Psychology 13 P: 52-59.
25. Belmont,R and ceiselman E.(1990)Effect of witnessing conditions and edpert witnss testimony on credibility of an eyewitness, American Journd of Forensic Psychology.P11
- D.Yarmey,(2010), "Diffrences in Eyewitness Testimony. Personality and Individual Differences," American Psychological Association p: 559-563.